

# کتیبه‌ی آستان قدس

## کتیبه‌ی ازاره‌ی دارالسعاده

دارالسعاده در مشرق رواق کنبد حاتم‌خان‌ی و مغرب ایوان طلای صحن نو واقع

است .



در بالای ازاره‌ی

دارالسعاده قصیده‌ای ۷۵

بیتی (۱) بروی سنگ مرمر

حک شده این کتیبه از

دیوار شمالی شروع میشود

و دور تا دور دیوارها نوشته

شده و به همان دیوار پایان می‌یابد . ارتفاع این کتیبه از کف دارالسعاده ۱/۴۰ متر

و عرض سنگهای مرمر در حدود ۳۰ سانتیمتر است .

قصیده به خط نستعلیق نوشته شده و حاشیه و گوشه‌ها و زمینه‌ی خطها مثبت کاری و قلمزنی

شده خطها برجسته و برنگ سیاه است .

### شاعر قصیده

شاعر این قصیده صبوری مشهدی است که شاعری توانا و مملک‌الشعراى آستان

قدس بوده در تاریخ ادبیات دکتر شفق از وی یاد شده .

شرح حال وی در الذریعه چنین آمده :

صبوری خراسانی : میرزا کاظم از نوادگان میرزا احمد صبور کاشانی است پدراناش از تهران به خراسان آمدند و بکار بافندگی اشتغال داشتند و صبوری در مشهد خراسان در سال ۱۲۵۹ بدنيا آمد و همانجا بزرگ شد و چون طبع و قریحه‌ی شاعری او آشکار گردید ناصرالدینشاه او را لقب ملك الشعرای آستانه‌ی رضوی داد و در سال ۱۳۲۲ وفات یافت ویرا چهار پسر بود بزرگترین آنها محمد تقی بهار خراسانی است .

میگویند وی مردی بلند قد و تنومند بوده و صورتی شاد و خوش داشته عامه‌ی سفید بر سر مینهاد . بسیار اهل ذوق بوده ، بگل علاقه‌ی فراوانی داشته صدایش خوش بوده و وقتی قصایدش را میخوانده از حاضران آفرین بر میخواست . مردی دیندار و پرهیزگار و سخاوتمند بوده بسیاری از اشعار او در رثای ائمه (ع) است .

آقای ملکزاده در مقدمه‌ی دیوان بهار درباره‌ی صبوری نوشته‌اند که « در مشهد بتحصیل علوم ادبیه و عربیه و زبان فرانسه و فقه و حکمت پرداخته و در عصر خود از فضایل مشهور خراسان بشمار میآمده شعر را بسبک امیر معزی میگفته و در ساختن قصیده و غزل و مثنوی استاد بوده .

زندگی صبوری از مستمری آستان قدس و صلوات ناصرالدینشاه میگذشته از اودیوانی بجا مانده که هنوز بچاپ نرسیده و در دست آقای محمد ملکزاده فرزند دوم صبوری است ، از آثار وی «دوازده بند» ش بچاپ رسیده است که میان اهل منبر بسیار معروف است . از اشعار او بعضی در جنگها و گلچینها ضبط است و بعضی نیز در ازاره‌های حرم نقش شده .

از شاعران همشهری معاصر صبوری میرزا حمید خراسانی ، امیر الشعرای نادری و کفاش خراسانی را میتوان نام برد .

### خطاط

در کتیبه پس از پایان قصیده از خطاط چنین یاد شده : **کتبه الراجی الی الله محمد الموسوی الحیدری** . (صنیع‌النولیه - اکبر برادران سید حیدری شاه معروف است که چندسال است فوت شده و اولادش (صنیع‌زاده‌ها) هستند - م)

در سال ۱۳۰۰ که ناصرالدینشاه عازم زیارت مشهد شده بود در نزدیکی سبزوار محمد ابراهیم خان امین‌السلطان وزیر دربار اعظم و خزانه‌ی عامره و گمرک و ... مرد نقش او را در ضلع جنوبی دارالسعاده دفن کردند . پسر امین‌السلطان چندین هزار تومان بمصرف آینه کاری و تزیین آن رسانید (مطلع الشمس جلد ۲ ص ۱۰۹) . در قصیده‌ی ازاره‌ی دارالسعاده نیز این مطلب بیان شده .

## قصیده

- ۱ حبذا دار همایون سادات دستور  
 ۲ بارک الله حریمی که بود خاک درش  
 ۳ لوحش الله مقامی که در آن ابراهیم  
 ۴ با چنین کاخی رفت بفلک باشد کذب  
 ۵ سوی این کاخ بچم خاک ببوس از سر صدق  
 ۶ اندر اقلیم چهارم بود این کعبه قدس  
 ۷ گر بدین دار سعادت بودت روی امید  
 ۸ ره بجنفت نبرد منکر این حضرت قدس  
 ۹ غایب از خود شو و بیخود سوی آن حضرت پوی  
 ۱۰ گر کلیم الله در طور بخلع نعلین  
 ۱۱ عوض پای پی تمظیم زگردون خورشید  
 ۱۲ آری این طور، تجلی که آن نور بود  
 ۱۳ فی خطا گفتم نوری که پی دیدن آن  
 ۱۴ موسی از طور سوی طوس شدی کاش که هست  
 ۱۵ اولین جلوه دادار رضا آنکه قضا  
 ۱۶ اختر برج نبوت خلف پیغمبر  
 ۱۷ نور مشکوه ابد پر تو مصباح ازل  
 ۱۸ جزوی از معرفتش هر چه بقرآن مجید  
 ۱۹ حضرتش کعبه آمال خواص است و عوام  
 ۲۰ حکم او جاری بر هر که وضع است و شریف  
 ۲۱ مغزسکان سموات شود غرق عبیر  
 ۲۲ راست در سدره بجیریل شود هم پرواز
- مرحبا کاخ فلک منظر خورشید ظهور  
 سرمه چشم ملک غالیه طوره حور  
 سمیها کرده پی مغفرت از رب غفور  
 با چنین خاکی نزهت بجنان باشد زور (۱)  
 که شود ذیل گنه پاک ازین خاک ظهور  
 راست چون در فلک چارم بیت المعمور  
 همچو آئینه درون صاف کن از زنگ غرور (۲)  
 آب کوثر نخورد مست شراب انگور  
 تا شوی لایق احضار درین بزم حضور  
 کشت از امر خداوند تعالی مأمور  
 سر برهنه کند از این حرم قرب مرور  
 کآمد اندر نظر موسی در وادی طور  
 ارنی گفت ولی دید نبودش میسور  
 منظر زاده موسی همه او را منظرور  
 یافته ز امر همایونش در دهر صدور  
 آن چو خورشید با نوار هدایت مشهور  
 کز زجاج حرمش نور دمد تادم صور  
 رمزی از محمدش هر چه بقدریه و زبور  
 در گهش قبله اقبال اناث است و ذکور  
 امر او ساری بر هر چه وحوش است و طیور (۳)  
 از سر تربت پاکش چو کند باد عبور  
 گر نشیند بلب بسام جلالش عصفور

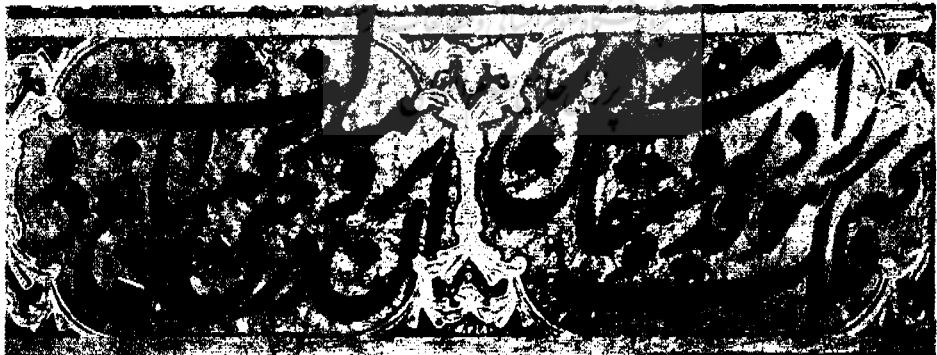
۱ - «زور» بمعنی دورغ است آیه کریمه : فاجتنبوا قول الزور -

۲ - در کتیبه اکثر «گ» ها بصورت «ک» نوشته شده ( بطرز خطاطان قدیم )

۳ - کتیبه‌ی این بیت بعد از مصرع اول بیت ۳۲ نصب شده .

وسعت ملك سلیمان بود و دیده مور (۱)  
 مینوازند بصوت النقره فی الناقر  
 ریحی از لجة احسانش بحر مسجور  
 چه کسی بادهن خویش کشد آب بحور  
 پیش نور رخس انوار قواهر مقهور  
 ما سوی الله براینند سراسر مقهور  
 خدمت شاه و گدا در خور همت مقصور  
 که بود عیشش پاینده و جیشش منصور  
 تا ابد همدم شادی بود و یار سرور  
 رونق افزای سنین است و شرف بخش شهور (۲)  
 آنکه بر حضرت او باج سپارد فغفور (۳)  
 پایة مملکتش سالم از آسیب فتور  
 مرخراسان را در دست ملک نظم امور  
 که کشد حزمش بر ملک ملک ز آهن سوز  
 بر در خسرو دین و زبسی تنظیم ثور  
 رفت از ماهجه خرگه او جلوه هور  
 کاندین دولت روز افزون بدفخر صدور

۲۳ رفعت کاخ همایونش در چشم سپهر  
 ۲۴ نوبت سلطنتش بادم اسرافیلی  
 ۲۵ خشتی از پایة ایوانش سقف مرفوع  
 ۲۶ چه کسی فضل و ایادیش شمارد بزبان  
 ۲۷ پیش خاک درش اعناق ملایک خاضع  
 ۲۸ فطرة الله همسان حب و تولای و یست  
 ۲۹ چون بود از پی تقدیم درین کاخ امید  
 ۳۰ در زمان ملک ملک ستان ناصر دین  
 ۳۱ شهر یاری که ز فرق و قدمش تاج و سریر  
 ۳۲ آن شهنشاه که تاریخ همایون عهدش  
 ۳۳ آنکه بر درگه او تاج گذارد خاقان  
 ۳۴ عالم سلطنتش امن از آشوب فساد  
 ۳۵ و ندر آن دوره که با تولیت مطلقه بود  
 ۳۶ اشرف امجد شهزاده رکن الدوله  
 ۳۷ عزم فرمود در بنمهد چو شد بهر طواف  
 ۳۸ خرگه سلطنت افراشت چو از ری سوی شرق  
 ۳۹ صدر فرخ فر مبرور امین السلطان



۴۰ آسمان رتبه خورشید مقام ، ابراهیم که فلك را نبود قدر و مقامش مقدور

۱ - این بیت با ۵ بیت بعدش در مطلع الشمس نیست و بعید مینماید که الحاقی باشد .

۲ - در کتیبه مصرع دوم این بیت بعد از بیت ۵۷ آمده .

۳ - در کتیبه مصرع اول «بر حضرت» و مصرع دوم «بر درگه» ضبط شده .

بـرك او بود كفايت بـر او بود شعور  
 گنج ناموس همه دولت ودین را گنجور  
 عزم او پیشرو باد صبا بود و دبور  
 گشت از عارضه جسم چو جانش رنجور  
 خواهد از پای در افتادن آن کوه وقور  
 خود بدربار شه دین که بود دار سرور  
 سوی طوس آید همراه پزیشان حضور  
 روی بنهاد فروزنده تر از بدر بدور  
 گشت، پاکیزه روان، از بدن پاکش دور  
 دل فرزندش از لطف و عنایت مسرور  
 علی اصغر که بدش اکبر اولاد ذکور  
 داد منشورش و توقیع بزد بر منشور  
 اختران را ز فلک داد بخاور دستور  
 نقش پاکش را آورده سپردند بگور  
 خنک آنکس که بدین دار نگرده مغرور  
 دل يك ملك ازین زخم الم شد ناسور  
 چشم انجم زبس افشاندر شك آمد کور (۲)  
 آنکه همدچون پدر آمد بکفایت مشهور  
 حید اقاب شکیبیا و زهی طبع صبور  
 از حریم شه دین یافت چو خط موقور  
 که کند ز آینه این منظره را کان بلور  
 چرخ آئینه طراز آمد و انجم مزدور (۳)  
 شد از آئینه بدین کاخ همایون محصور  
 نوراز آن یسابد انجم بشبان دیجور  
 برد ازین روضه هر آئینه که آمد مکسور  
 این دراریست که گردیده چو لؤلؤ منثور

۴۱ آن برومند درختی که بیساع دولت  
 ۴۲ آن امینی که بقانون امانت گردید  
 ۴۳ حزم او را هبر نظم زمین بود وزمان  
 ۴۴ بیشتر زانکه کند موکب شاهی نهضت (۱)  
 ۴۵ شاه چون یافت بالهام که از دست سپهر  
 ۴۶ خواست تا زنده بود ارجو تا زنده شود  
 ۴۷ داد فرمان که بآرامی از راهی سهل  
 ۴۸ خود ز راه طبرستان بسوی شمس شمس  
 ۴۹ قصه کوتاه که در راه بهین خواجه راد  
 ۵۰ شه چو بشنید حزین گشت ولیکن فرمود  
 ۵۱ شد ز لطاف شهنشاہ، امین السلطان  
 ۵۲ کرد تفویض پسر، داشت هرازان رتبه پدر  
 ۵۳ شاه انجم سپه آنکه بهدیرائی نغش  
 ۵۴ اندر این بقعه با امر شه بهرام حشم  
 ۵۵ عادت دار غرور این بود و رسم چنین  
 ۵۶ سور و شادی همه از یاد جهان شد زین غم  
 ۵۷ گوش گردون زبس افسوس شنید آمد کر  
 ۵۸ راد فرزند هنرمندش امین السلطان  
 ۵۹ ایزدش داد صبوری و شکیبیا گردید  
 ۶۰ باوقور غم و اندوه درین ماتم و سوک  
 ۶۱ بادل پاکتر از آینه هست فرمود  
 ۶۲ مهر و ماه آینه گشتمند درین کاخ منبع  
 ۶۳ هر صفائی که فلک داشته هر نور که شمس  
 ۶۴ گشت این بقعه چنان ز آینه روشن که بچرخ  
 ۶۵ آسمان داشت هر آن کسر ز تابنده نجوم  
 ۶۶ اینک از ریزه آئینه این کاخ بچرخ

۱ - این مصرع در کتیبه بعد از بیت ۵۷ آمده ( بعد از مصرع دوم بیت ۳۲ )

۲ - بعد ازین بیت ابتدا مصرع اول بیت ۴۴ و بعد مصرع دوم بیت ۳۲ آمده .

۳ - مصرع دوم این بیت در مطلع الشمس چنین است: آسمان آینه گر آمد و انجم مزدور

حوریانند بفردوس توگوئی مقصور (۱)  
 مردگان رقص نمایند سراسر بقبور  
 نشر اموات شود پیشتر از یوم نشور  
 علم الله بودش سعی زیارت مشکور  
 شهد الله که بغفران خدا شد مغفور (۲)  
 بجنان حور خود اقرار نماید بقصور (۳)  
 تابش شمس و قمر گشت بعالم مشهور (۴)  
 چون ز آئینه روشن بمثل غیرت طور

۶۷ عکسهای که ز هر آینه تا بد بشموع  
 ۶۷ اندرین روضه ازین زینت و آئین شگفت  
 ۶۹ بل عجب نیست ازین روح که شد مونس روح  
 ۷۰ یافت این کعبه صفا چون ز امین السلطان  
 ۷۱ هم ازین خدمت شایان پسر، روح پدر  
 ۷۲ با صفائی که در آئینه این قصر بود  
 ۷۳ زین تجلی که ازین آینه تا بد بسماء  
 ۷۴ الغرض بار که زاده موسی گردید

۷۵ ز در قم كلك صبوری ز پی تساریخش  
 اندر آئینه این بقعه بین آیت نور

سنه ۱۳۰۰



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

- 
- ۱ - مصرع اول در کتیبه زشموع ضبط است و مصرع دوم این بیت در کتیبه چنین است:  
 حوریانند دل افروز توگوئی بقصور .
  - ۲ - در کتیبه بعد از این بیت بیت ۶۵ - باین صورت آمده : آسمان داشت هر آن کس  
 ز تابنده نجوم . برد ازین روضه هر آئینه که آمد بکسور .
  - ۳ - این بیت در مطلع الشمس جلد ۲ بعد از بیت ۶۷ آمده .
  - ۴ - این بیت در مطلع الشمس نیست .